

بازتاب فرهنگ ایران در قصیده "مقتل بزرجمهر" از شاعر لبنانی خلیل مطران

بتول محسنی راد*

چکیده

پیوندهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی بین ایران و کشورهای عربی از جمله لبنان از زمان هخامنشیان تاکنون پیوسته ادامه داشته، دستاورد این تعامل، مشترکات فرهنگی-علمی، بین دو ملت بوده است. اما آنچه در این میان چشمگیرتر است، تاثیر زبان فارسی بر زبان عربی است که دارای تاریخچه طولانی بوده و دارای سهم و نقش بسزایی است. از دوره جاهلی که واژگان فارسی بر شعر شعرای جاهلی تاثیر گذاشت، این روند تا دوره های بعد حتی تا دوره معاصر ادامه پیدا کرد، اما آنچه کمتر مورد توجه واقع شده، تاثیر فرهنگ و زبان فارسی بر ادبای کشور لبنان است. یکی از بزرگان و شعرای لبنانی که بر سنت های قدیمی انقلاب نمود، وافق جدیدی در شعر جهان عرب گشود، "خلیل مطران" بود. از دستاورد های خلیل مطران سرودن قصیده "مقتل بزرجمهر" است. این قصیده حماسه ای بی نظیر در به تصویر کشیدن زوایایی از تاریخ سرزمین ایران است. هدف مطران از سرودن قصیده "مقتل بزرجمهر" قیام اعراب بر علیه رژیم عثمانی به منظور رهایی از استبداد عثمانی ها بود. خسرو انوشیروان در این قصیده رمز توریه بر سلطان عثمانی است. وداستان بزرجمهر جنبه عبرت آموز داشته وهدف آن بیدار کردن نسل جدید در جهان عرب است. در این مقاله تلاش شده است، برای آشنایی بیشتر با قصیده "مقتل بزرجمهر" از شاعر بزرگ عرب؛ "خلیل مطران"، معروف "به" شاعر قُطْرَین " (سرزمین لبنان و مصر) که تاثیر فرهنگ فارسی در آن به خوبی مشهود است، به روش تحلیل محتوا مورد نقد و بررسی قرار گیرد.

کلید واژه ها: مقتل بزرجمهر، خسرو انوشیروان، ادبیات لبنان، خلیل مطران، بزرجمهر.

۱- مقدمه

شعرا و بزرگان دوره معاصر عربی که با زبان و فرهنگ: (فارسی، ترکی و عربی) آشنا بوده و تحت تاثیر این فرهنگ آثاری نگاشته اند؛ قابل توجه است. أمثال أحمد فارس الشدياق، عبدالرحمن الكواکبي، البارودي، عائشة التيموريه، حسين المجيب المصري، سليمان البستاني، (جرجی زيدان: ۱۹۲۲: ۳۲۳). خلیل مطران شاعر بزرگ جهان عرب نیز در آثار خود تحت تاثیر فرهنگ غنی زبان و ادب فارسی سروده "مقتل بزرگمهر" را به رشته تحریر در آورده است. بزرگمهر که در زبان عربی بزرگمهر گفته می شود؛ وزیر خسرو اول (انوشیروان ساسانی) بود که نماد حکمت و خرد در جمع دیوان سالاران ایرانی محسوب شده؛ او همواره الگویی تمام عیار از وزیران خردورز، دانا، اندیشمند و اندرزگو به شمار می آمده است. تاثیر بزرگمهر در روند پیشرفت و آبادانی و اداره کشور در تاریخ ایران و در زمان پادشاهی خسرو انوشیروان منحصر به فرد است.

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

در این مقاله سعی شده است تاثیر فرهنگ غنی فارسی بر شاعر بزرگ لبنانی "خلیل مطران" در سه محور: آشنایی با خلیل مطران، مروری بر اوضاع ایران در دوره ساسانی و پادشاهی کسری، شرح و بررسی قصیده "مقتل بزرگمهر" به روش تفسیری-تحلیلی، مورد نقد و بررسی قرار گیرد. و به این سوالات پاسخ داده شود. چه انگیزه ای باعث روی آوردن خلیل مطران به سرودن اشعار تاریخی شده است؟ هدف او از سرودن اشعار داستانی و تاثیر از فرهنگ فارسی چه بوده است؟ امید است این پژوهش ها در غنی سازی و شکوفایی هردو ادبیات و حفظ دستاوردهای هردو زبان، نقش مهمی را ایفا نماید.

۱-۲- اهداف تحقیق

- شناخت مختصر خلیل مطران، شاعر بزرگ لبنانی و آثار وی.
- آشنایی با دیدگاه شاعران بیرون از مرز های جغرافیایی ایران نسبت به مشاهیر ایرانی.
- آشنا شدن با تاثیر پذیری خلیل مطران از تاریخ و فرهنگ ایرانی.

۱-۳- پیشینه تحقیق

در مورد خلیل مطران به زبان عربی و فارسی تحقیقات زیادی انجام گرفته است. در حوزه تطبیقی چهره زن در شعر خلیل مطران و احمد شاملو (خدیدجه حوری زاده: ۱۳۹۲)، بررسی شده است. همچنین نماد شیر در شعر نیما و مطران (علی و فاطمه سلیمی: ۱۳۹۰) و همچنین مطران بین النضال سیاسی و التاریخ از (منصوره زرکوب و سلیمانزاده: ۱۳۹۱) مقایسه حکمت های بزرگمهر در شاهنامه و منابع

عربی (وحید سیزیان پور: ۱۳۹۱) و بعضی از قصاید خلیل مطران مثل المساء نیز مورد شرح و تفسیر قرار گرفته است. اما در مورد شرح و تفسیر قصیده "مقتل بزرجمهر" حتی به شکل تطبیقی، پژوهشی انجام نگرفته است. امیدواریم این مقاله راه را برای دیگر پژوهشگران ارجمند در این زمینه هموار سازد.

۲- آشنایی با خلیل مطران

خلیل مطران شاعر "احساس و خیال" و "بعلبک والاهرام" (هاشمی: ۲۰۰۴: ۳۵۶) در بعلبک لبنان دیده به جهان گشود، تحصیلات خود را در بیروت نزد "خلیل یازجی" و "ابراهیم یازجی" به پایان رساند. در لبنان با زبان های انگلیسی، فرانسوی، و ترکی آشنا شد. اما مانند خیلی از نویسندگان و فرهیختگان کشورش به علت ستم عثمانی ها، و سرودن قصایدی در مورد ظلم "عبدالحمید عثمانی" مجبور به ترک وطن و هجرت به مصر شد. (الفاخوری: ۲۰۰۴: ۵۷۶).

خلیل مطران از برجسته ترین شعرای دوران نهضت عرب و از شعرای پیشرو و رمانتیک جهان عرب به شمار می آید؛ او به خاطر استعداد بی نظیر و منحصر به فردش، روایت و داستان های تاریخی را به شکل زیبایی به نظم درآورد؛ و از پیشتازان این هنر در دوره معاصر به شمار می آمد. از نمونه قصایدی که به ظلم و ستم پادشاهان، از جمله حکومت عثمانی در آن زمان اشاره می کند، دو چکامه مشهور به نام های "مقتل بزرجمهر" و "نیرون" است که دارای شهرت فراوانی شدند.

هدف خلیل مطران از سرودن "مقتل بزرجمهر" تحریک لبنانی ها و اعراب برای قیام علیه رژیم عثمانی و رهایی از حکمرانی آنان بود. مطران که بارها به خاطر سروده هایی در مورد آزادی به زندان افتاده بود؛ مجبور به استفاده از رمز در آثارش شد. او مهارت زیادی در توصیف روایت های تاریخی در قالب شعر داشت که البته هدف او از ذکر وقایع تاریخی دعوت مردم به آزادی و قیام در برابر حکومت های مستبد بود.

خلیل مطران مؤسس مکتب یا "جماعه الدیوان" بود. (شکیب انصاری، ۱۳۷۶: ۱۵۸). او شعر عربی را از قید و بند های سنتی و ابتدایی رهایی داد و به سوی اهدافی متناسب با عصر و زمان با حفظ اصول و چهار چوب زبان پیش برد. (همان: ۱۶۹). بعد از وفات حافظ ابراهیم و أحمد شوقی خلیل مطران شاعر: الأقطار العربیه" (سرزمین های عربی) نام گرفت. (الرمادی، ۱۹۷۲: ۳۵۳)

۱-۲- برخی از آثار مطران

خلیل مطران به زبان های ترکی، عربی، فرانسه، انگلیسی، اسپانیایی آشنایی داشت. او پس از مدتی به کار مطبوعاتی مشغول شد. در مصر المجله المصریه و الجوانب المصریه را منتشر کرد (

الفاخوری، ۲۰۰۴: ۹۹۷). در سفر به فرانسه، مجذوب ادبیات فرانسه بویژه آثار آلفرد دی موسه شد. و در زبان انگلیسی شیفته آثار شکسپیر به ویژه مسرحیات او شد. مطران بسیاری از نمایشنامه های شکسپیر را به عربی ترجمه نمود. همچنین روایت الدسیسه، توطئه از شیلر آلمانی و نمایشنامه (هرنالی) از ویکتور هوگو، و بولیکت، سینا، السید از کورنی و برینس از راسین را به عربی ترجمه نمود (شکیب انصاری: ۱۳۷۶: ۱۴۶). علاوه بر این دیوانی به نام الخلیل و کتابی تاریخی به نام مرآة الایام از او به جا مانده است (همان: ۱۴۷).

۱-۲-۱- چکامه

مقتل بزرگمهر" که در ادبیات معاصر عربی معروف شده است به "التغنی بالحریه" (نوی آزادی)، درمورد پادشاه ایران "خسرو انوشیروان" مشهور به "کسری" و وزیرش بزرگمهر می باشد. در این چکامه خلیل مطران، صحنه های زیبا و منحصر به فردی را شبیه به صحنه های تئاتر و نمایش نامه خلق می کند که در آن شخصیت ها به صورت پویا بر روی سن به گفتگو مشغولند و حوادث پی در پی و پشت سر هم اتفاق می افتد و حماسه ای بی نظیر در گوشه ای از زوایای تاریخ ایران به نام "مَقْتَلُ بَزْرَجْمَهَر" شکل می گیرد.

۳- خسرو انوشیروان و خدمات او

خسرو اول یا انوشیروان دادگر فرزند قباد یکم بود که از سال ۵۳۱ تا ۵۷۹ میلادی ساسانیان را رهبری کرد، او درخشانترین پادشاه ساسانی بود. (اکبری: ۱۳۸۷: ۸۷)

نخستین سرنامه گفت از مهست

برومند شاخ از درخت قباد

که تاج بزرگی برسر نهاد

(شاهنامه فردوسی، ۱۳۵۷: ۴۳۵)

واژه کسری عربی شده "خسرو" است و عربها آن را به طور کلی برای شاهان ایران و فرمانروایان ساسانی به کار می بردند، همچنان که سزار (قیصر) نام همه فرمانروایان روم بود. پس از اشغال ایران به وسیله مسلمانان، این کلمه در خود ایران نیز برای نام بردن از شاهانی که نام خسرو داشتند، از جمله خسرو انوشیروان، به کار رفت.

عهد بزرگ تمدن ادبی و فلسفی در ایران با سلطنت خسرو انوشیروان آغاز می شود؛ دوران پادشاهی او درخشان ترین دوره عصر ساسانی محسوب می شود و در این زمان در سرزمین ایران آرامش خاصی حکمفرما بود (کریستین سن، ۱۳۸۲: ۲۶۸). در روایات زیادی خسرو انوشیروان

نمونه دادگستری و جوانمردی و رحمت است و مؤلفان عرب و ایرانی حکایات بسیار در وصف جد و جهد او برای برقراری و حفظ عدالت نقل کرده‌اند.

در زمان فرمانروایی او، دانش و هنر در ایران و امپراتوری ساسانی به نهایت شکوه و عظمت خود رسیده بود. امپراتوری های روم از ایران، پیایی شکست می خوردند و غرامت ها به ایران می دادند. در زمان او قصرهای باشکوه، شهرها، راه های تجاری، پل ها و سد های بسیاری ساخته شد که برخی از آنها تا کنون نیز همچنان پا بر جا است. دولت هیاطله برای همیشه از صفحه روزگار محو گردید (کریستن سن، ۱۳۸۲: ۲۹۷ و ۳۰۱). دولت های خزر شمالی به خاطر زیاده خواهی تنبیه شدند. ترک های نزدیک مرز جیحون به جای خود نشستند، و جرات شورش نداشتند. کشور یمن بعد از راندن حبشی ها دست نشانده ایران شد. در زمان انوشیروان، حماسه ملی گردآوری شد و شاید در زمان او بود که اوستا به خط اوستایی نوشته شد. شکوه و دادگستری و شکوفایی ایران در زمان او به نوشتارهای اسلامی نیز راه یافته است. در این دوره در کشور ایران آرامش خاصی حکمفرما بود. مشهورترین بنایی که پادشاهان ساسانی ساخته‌اند، قصری است که تخت تاثیر گویش عربی اشغالگران مسلمان طاق کسری یا ایوان کسری نامیده می‌شد و هنوز ویرانه های آن نیز موجب حیرت تماشاگران است.

اصلاحات خسرو در امور داخلی ایران روح جدیدی به کالبد ایران دمید. به فرمان او کتاب اوستا در یک مجموعه منظم جمع آوری شد و آنچه امروزه از اوستا باقی مانده، دست آورد کوشش های انوشیروان است. (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۲۷۸). ایرانیان برای اولین بار با علوم یونانی آشنا شدند. کتاب ارزشمند بیدپای هندی یا همان کلیله و دمنه به دستور کسری به ایران آورده شد و به زبان فارسی پهلوی ترجمه شد (همان: ۲۸۳). کسری انوشیروان زمانی که در مورد کتاب کلیله و دمنه اطلاع پیدا کرد. دستور داد به پزشک فیلسوفی به نام برزویه که به هند برود و این کتاب را آورده و به فارسی ترجمه نماید. البته زمانی که به فارسی ترجمه شد. فصلی به این کتاب در مورد مراحل سفر برزویه و مراحل ترجمه آن به کتاب اضافه شد که متأسفانه نسخه ای از آن در دسترس نمی باشد (کلیله و دمنه، ۱۳۷۴: ۷۶).

دانشگاه پزشکی گندی شاپور در زمان او ساخته شد و می توان از آن به عنوان اولین دانشگاه پزشکی جهان با ساختار مدرن نام برد. در زمان کسری کتابخانه دانشگاه گندی شاپور بزرگترین کتابخانه جهان محسوب می شد (زرین کوب، ۱۳۶۲: ۳۹۲).

دوره شاهنشاهی او و نوه اش یعنی خسرو دوم (خسرو پرویز)، به عنوان دومین دوره طلایی امپراطوری ساسانیان شناخته می شود اما متأسفانه انوشیروان آخرین ستاره ای بود که در افق ایران باستان درخشید. و ناگفته نماند که این افتخارات و پیشرفت ها مدیون وجود وزیر دانا و با درایتی به نام بزرگمهر بود.

۴- بزرگمهر حکیم

بزرگمهر حکیم وزیر خردمند خسرو انوشیروان شاهنشاه ساسانی بود. بزرگمهر نخست برای آموزش و پرورش فرزند انوشیروان، هرمز گماشته شده بود. هرمز نخست نسبت به بزرگمهر خوش رفتاری نمود و استاد را از خود آزد، اما سپس از کرده خود پشیمان شد و پس از مدتی جایگاه بزرگمهر بالا گرفت. در نوجوانی در مکتب خانه های مرو مشغول تحصیل بود که از مرو به دربار خسرو اول خوانده شد، تا خوابی را که شاه دیده بود تعبیر کند. تعبیر خواب وی درست درآمد و از آن پس بزرگمهر مشاور و گرامی ترین وزیر انوشیروان شد و مورد تکریم بسیار قرار گرفت. پس از مدتی به وزارت رسید و در امور کشوری با شایستگی بسیار به انوشیروان خدمت نمود. بزرگمهر، در زمره بزرگانی است که فردوسی در شاهنامه بیش از همه بدو پرداخته است، به نحوی که می توان گفت همه کسان دیگری که بعد از فردوسی به زندگی او روی آورده اند، منبع اصلی اطلاعات خویش را هم از این کتاب برگرفته اند. آنها که با تاریخ ایران بر اساس متون روایی سروکار دارند، می دانند که بیشترین بخش تاریخی شاهنامه از زمان روی کار آمدن ساسانیان و خاصه اردشیر بابکان، مؤسس سلسله مزبور، آغاز شده و ادامه یافته است (شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۴).

تأثیرگذاری او در نهاد وزارت و اداره کشور بی نظیر بود. بزرگمهر حکیم را «آخرین نمونه مجسم فضایل یک وزیر محتشم و کشوردار ایرانی، الگوی اساسی فرزاندگی و بینش و دانش تاریخی به حساب می آورند» (همان) اما درباره فرجام کار بزرگمهر اختلاف نظر بسیار است. در شاهنامه از مرگ بزرگمهر سخنی نرفته است. برخی از نویسندگان، چون دینوری و ابن اسفندیار، درباره مرگ بزرگمهر سکوت کرده اند. گروهی نیز بر آن اند که انوشیروان به بزرگمهر بدگمان شده و او را از خود رانده است و گروهی نیز به اعدام بزرگمهر به اتهام تغییر مذهب اشاره کرده اند (دینوری، ۱۳۷۰: ۷۲). خرد بزرگمهر، اندیشه سیاسی، آثار بزرگمهر، اندرز بزرگمهر، تأثیر پندنامه ها در تاریخ ادب پارسی، تأثیر پندنامه بزرگمهر در متون فارسی و عربی، موضوعاتی است که در مورد آن بحث و پژوهش بسیار شده است.

۵- صحنه های قصیده مَقْتَلُ بَزْرَجْمَهَر

صحنه های زیبا و کم نظیری در این قصیده مدرن عربی از خلیل مطران به چشم می خورد از

جمله:

- صحنه تصویر شکوه و قدرت بی مانند خسرو انوشیروان (کسری)
 - صحنه تصویر ضعف و خواری مردم در مقابل این عظمت
 - صحنه تصویر روز سخت اعدام شدن وزیر دانا و حکیم بزرجمهر
 - صحنه تصویر ظاهر شدن ناگهانی دختر بزرجمهر در میان مردم
 - صحنه تصویر عقده و گره هایی که در قصیده ظاهر می شود
- شخصیت های اصلی این چکامه که قالب نمایش نامه را دارد:

۱- کسری انوشیروان

۲- ملت دربند و ذلیل

۳- وزیر عادل و مظلوم بزرجمهر

۴- دختر جوان وزیر

۱-۵- صحنه اول

همه جمعیت (ملت عظیم فارس) هنگام ظاهر شدن پادشاه به سجده می روند. گویی که کسری خدایی است که کمرها برای عبودیت او خم شده و پیشانی ها بر خاک مالیده می شود. مطلع قصیده خلیل مطران با این ابیات شروع می شود:

سَجَدُوا لِكِسْرَى * إِذْ بَدَأَ إِجْلَالَآ
يَا أُمَّةَ الْفُرْسِ الْعَرِيقَةَ فِي الْعُلَى
كُنْتُمْ كِبَارًا فِي الْخُرُوبِ أَعَزَّ
وَأَيُّومَ بِنْتِ صَاغِرِينَ ضِنَالًا
(خلیل مطران، ۱۹۷۱: ۴۸۰)

ترجمه: مردم به محض ظاهر شدن پادشاه به سجده افتادند، مثل سجده در مقابل خورشید زمانی که طلوع می کند.

ای مردم با اصل و نسب فارس: چه شده شما را؟! و چه کسی حال شما را به ذلت وضعف دگرگون کرده؟!

شما که در تاریخ جنگ ها افتخارات زیادی کسب نموده مردمان با عزت و بزرگی بودید چه شده که امروز چنین خوار و ذلیل شده اید؟! شاعر در این ابیات به دو موضوع مهم اشاره می کند: ابتدا عظمت و شکوه بی مانند کسری و دوم ضعف مردم در مقابل پادشاه. گویی شاعر می خواهد بگوید: رفتار و کردار مردم باعث تکبر و خودخواهی بیشتر پادشاهان در طول تاریخ شده و می شود.

۲-۵-صحنه دوم

نمایش چهره های مردم که در ظاهر هیچ علامت و نشانه ای از نارضایتی نسبت به اعدام وزیر در آن ها دیده نمی شود، اما در باطن از شدت تاثیر گریه می کردند. مظلومیت و صداقت وزیر، و روز کشته شدن او در این قسمت تصویر شده است.

یا یومَ قَتَلَ بَرْزَجْمَهْرَ وَقَدْ أَتَوْا فِيهِ يَلْبُونَ النَّدَاءَ عَجَّالًا

ترجمه: وای از آن روز! روز کشته شدن بزرگمهر! روزسختی که در آن ندا دادند مردم برای

دیدن

قتل وزیر به جایگاه بیابند و مردم با عجله این ندا را لبیک گفتند.

مُتَأَلِّبِينَ لِيَشْهَدُوا مَوْتَ الْعَدِيِّ أَحْيَا الْبِلَادَ عَدْلًا لَعْنَةً وَنَوَالًا

ترجمه: مردم آمدند تا از نزدیک شاهد اعدام بهترین کسی باشند که کشور را آباد و پر از عدل

و داد نمود و بسیاری از آرزوهای مردم را محقق ساخت.

وَإِذَا الْوَزِيرُ بَرْزَجْمَهْرُ يَسُوقُ جَلَادَهُ مُتَهَادِيًا مُخْتًا

(الخليل، ۱۹۷۱: ۴۸۲)

ترجمه: و در این هنگام وزیر (بزرگمهر) ظاهر شد، در حالی که جلاد او را می آورد، با غرور

و افتخار راه می رفت.

و این ستم بر بزرگمهر در زمان پادشاهی واقع شد که در مورد عدل و داد او سخنان و روایات زیادی

نقل شده است از جمله در گلستان سعدی، باب اول، در سیرت پادشاهان:

"آورده اند که نوشین روان عادل را در شکار گاهی صید کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا

رفت تا نمک آرد. نوشیروان گفت: نمک به قیمت بستان تا رسمی نشود و ده خراب نگردد. گفتند: از

این قدر چه خلل آید؟ گفت: بنیاد ظلم در جهان اوّل اندکی بوده است. هر که آمد برو مزیدی کرده

تا بدین غایت رسیده.

اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی
بر آورند غلامان او درخت از بیخ
به پنج بیضه که سلطان ستم روا دار
زندلشکریانش هزار مرغ به سیخ"
(سعدی، ۱۳۷۶: ۱۹)

وَتَرَوْحُ حَوْلَهُمَا الْجَمُوعُ وَتُعْتَدِي
كالموج وهو مُدْأَفَعٌ يَتَنَالِي
ترجمه: مردم جمع شده بود ند، و در اثر ازدحام، جمعیت مانند موجی به جلو و عقب می رفت.
سَخِطَ الْمَلِيكُ عَلَيْهِ إِثْرَ نَصِيحِهِ
فَاقْتَصَّ مِنْهُ غَوَايِئُهُ وَضَلَّالًا
(الخليل، ۱۹۷۱: ۴۸۳)

ترجمه: پادشاه به خاطر نصیحت صادقانه ای که از طرف وزیر شنیده بود، بسیار خشمگین و ناخرسند شد و کور کورانه دست به انتقام زد. هدف شاعر از تصویر و نمایش این صحنه ها یادآوری این نکته به مخاطب است که تاریخ تکرار می شود.

۳-۵- صحنه سوم

شاعر کسری را مانند خورشیدی تصویر می کند که از آسمان طلوع کرده و به همراه خود نور و روشنایی و جلال و شکوه به ارمغان آورده است. به نظر او برق جمال کسری انوشیروان، چشم هارا خیره و نابینا می سازد.

ويْلُوْحُ كَسْرِي مَشْرَفًا مِنْ قَصْرِهِ
شمساً تضيء مهابةً و جلالاً
ترجمه: زمانی که پادشاه از قصر خارج شده جلو مردم ظاهر می شود، مانند خورشیدی تابان است که جلال و شکوه و عظمت را به همراه دارد.
يزهو به العرش الرفيع كانه
يسنى الجواهر مشعل إشعالا (الخليل، ۱۹۷۱: ۴۸۳)
ترجمه: عرش مزین به جواهرات، از شدت شکوه و هیبت پادشاه (خسرو انوشیروان) به خود می بالد.

۴-۵- صحنه چهارم:

در این صحنه مکانی مملو از جمعیت توصیف می شود که در آن فرد مظلومی توسط جلاد به سوی محل اعدام هدایت می شود، روح پاک و صادقی که به دلیل یک نصیحت صادقانه، بار گناهان ناکرده را به دوش می کشد. شاید بتوان گفت که گره نمایشنامه هم در همین صحنه شکل می گیرد. گره عدم وجود آزادی سخن گفتن حتی برای وزیری که صداقت و وفاداری خود را بارها به اثبات رسانده است. در این صحنه قرار است بی گناهی در جلو انبوه جمعیت بوسیله شمشیر ظالم

کشته شود زیرا او جرات کرده و حق را بر زبان آورده است. چطور معیارها دگرگون می‌گردد! حق باطل اعلام می‌شود و جلو دیدگان مردم از صاحب حق انتقام گرفته می‌شود! بعد از این واقعه چه امیدی به زندگی و عدالت هست؟!

از وجوه هنرمندی خلیل مطران در اینجا این است که، حادثه یا گره داستان را برای مناقشه و بحث به نمایش می‌گذارد و مخاطب و خواننده را در این حکم مشارکت می‌دهد:

أبزرجمهر حکیم فارس والوری یطأ السجونَ ويحملُ الأغلالا؟؟!

ترجمه: آیا وزیر حکیم و دانشمند سرزمین بزرگ فارس (بزرگمهر) به زندان قدم می‌گذارد؟! و به غل و زنجیر کشیده می‌شود؟!

"کسری" أتبقى كلَّ قدمٍ غاشمٍ حياً وتُردى العادلَ المفضالا؟

ای کسری! آیا از جوانمردی است؟! که هر انسان احمق و ظالمی را زنده باقی گذاری و انسان عادل و وارسته ای را به هلاکت برسانی!!!

وتدقُّ في مرأى الرعيه غنقه ليموت موتَ المجرمينَ ماذا؟

آیا درست است که در انظار عمومی و جلوی دیدگان مردم، گردنش را بزنی! تا همانند مجرمان با خواری چشم فرو بندد؟؟؟

انقلاب مقایس: دگرگونی معیارها

شاعر در این ابیات بیان می‌کند که چطور معیار درست و نادرست دگرگون می‌شود! وزیر دانا و با درایتی که سال‌ها برای پیشرفت و آبادانی کشور تلاش نموده و زحمات و رنج‌های زیادی را متحمل شده است، به خاطر حق‌گویی گرفتار می‌شود! گویی که تاریکی باقی مانده و عدالت مرده است!؟

أين الفردُ من مشورهٍ صادقٍ !والحكمُ أعدلُ ما يكونُ جدالا؟(همان: ۴۸۳)

ترجمه: تا کجا این استبداد پیش می‌رود؟ بهتر نیست با یک انسان صادق و راستگو مشورت شود، زیرا که بهترین و عادلانه‌ترین حکم حکمی است که با مجادله به اثبات برسد. (چرا که دموکراسی همواره در سایه مشورت و دور از استبداد شکل می‌گیرد).

۵-۵-۵- صحنه پنجم

شاعر، آشوب و هرج و مرجی را که با انجام این حکم بدون مشورت با عاقلان و حکما شروع شده به تصویر می کشد. حماسه ای واقعی از انواع ستم، کابوسی که ملت با آن زندگی می کند: بی قانونی، بی عدالتی و نبود حاکم عادل، بدین ترتیب در واقع مرگ در کمین همه به جز پادشاه می باشد.

إن تستطع فاشرب من الدمِ خمرهً واجعل جماجمَ عابدیکَ نعالاً

ترجمه: اگر می توانی خمره ای از خون بنوش و جمجمه کسانی را که عمری تورا اطاعت می کردند، نعلین خود قرار بده.

واذبح ودمر واستیح اعراضهم واملاً بلادهم اسی و نکالا

ترجمه: پس قربانی کن، تخریب کن، وریختن آبرویشان را مباح قرار بده، و سرزمین شان را از غم و مصیبت مالا مال گردان.

فلأنت "کسری" ما تری تحریمه کان الحرام وما تُجلُ حلالاً

ترجمه: در حقیقت تو کسری هستی، پادشاهی که آنچه را حرام پنداری حرام شمرده می شود، و آنچه را که حلال بشماری حلال شمرده می شود.

ولیذکرَنَّ الدهرَ عدلکَ باهراً ولتحمذنَّ خلائقاً وفعالاً (الخلیل، ۱۹۷۷: ۴۸۴)

ترجمه: البته روزگاران عدل و انصاف توبه صراحت یاد خواهد کرد، و یقیناً تو به خاطر اخلاق و کردارت مورد ستایش قرار خواهی گرفت.

به کارگیری دو فعل مضارع تاکیدی "ولیذکرَنَّ" و "لتحمذنَّ" با نون و ل تاکید، در این بیت نشان دهنده این است که: وقوع این امر زیاد به طول نخواهد انجامید. بالاخره روزی مردم بیدار خواهند شد و حق پیروز خواهد شد.

خلیل مطران در دیوان خود در مورد همین قصیده نمایشی گفته است: "اشتهر کسری بالعدل وکان بلانزاع أعدل ما یكون الملك المطلق الید فی أحكام بلاده فإن کان ما وصفناه فی هذه القصیده إحدى جنایایات مثله فی العادلین فما حال الملوك الظالمین؟! (الخلیل، ۱۹۷۷: ۴۸۶)

ترجمه: پادشاه کسری مشهور به عدالت و انصاف بود و بدون هیچ شکی عادلترین پادشاهان بود. اگر آنچه در این قصیده از او وصف کردیم. یکی از جنایات امثال او از حکمرانان عادل باشد، پس

وای به حال و اوضاع پادشاهانی که معروف به ظلم و ستم هستند! که البته او به استبداد و ظلم پادشاهان دوره عثمانی گریز می زند.

اگر خسرو انوشیروان که معروف به شاه دادگستر و عادل و حکیم است بدون سبب و به گناه کوچکی، صدر اعظم خود را به قتل برساند! چه توقعی از دیگر پادشاهان می توان داشت؟! شاعر با سرودن این چکامه دوهدف را دنبال می کند. ابتدا انتقاد از حکومت های معاصرش و دوم: اصلاح جامعه با ترسیم چنین صحنه های زیبایی، حادثه منحصر به فردی شکل گرفته و قصد شاعر از آن تصویر، حقیقتی است که همیشه همراه و ملازم تاریخ بوده و هست. خلیل مطران با هنر خود توانسته است این عبرت همیشه تاریخی را زنده نگه دارد. خلیل مطران در منظر مخاطب و خواننده این چکامه، شاعری موضوعی است نه شاعری ذاتی، یعنی در سرودن قصاید و به تصویر کشیدن آن، حقایق تاریخی را بیان می کند و شاید بتوان گفت که کمتر احساسات خود را در موضوع دخالت می دهد.

۶-۵-صحنه ششم

جلاد از مردم می پرسد؟ آیا شفاعت کننده ای هست؟
از چه کسانی جلاد می پرسد؟! از مردمانی که گوش هایشان کر و لب هایشان قفل شده است؟
همه جواب می دهند: لا لا (خیر، خیر) و در واقع حکم را تاکید می کنند!
آیا جرات نقض یا مناقشه با حکم را دارند؟! خیر. همه در بهت و ترس فرو رفته اند و فقط از جان خود محافظت می کنند.

ناداهم الجلاذ: هل من شافعٍ "رتال جامع علوم الانسانی" لبرجمهر "فقال كل لا لا
ترجمه: جلاد با صدای بلند فریاد زد: آیا برای بزرگمهر شفاعت کننده ای هست تا به قتل
نرسد؟ اما جمعیت از ترس پاسخ دادند: خیر! خیر!

۷-۵-صحنه هفتم

پادشاه به اطراف نگاهی می اندازد، شاید قصدش از نگاه به تمام جهات این بود که می خواست با افتخار و تکبر به مردم نشان دهد که او حاکمی عادل است اما در این نگاه معنی دار با صحنه ای برخورد می کند که انتظار آن را ندارد!

وَأَدَارًا كَسْرِي "فِي الْجَمَاعَةِ طَرْفَهُ"
 فرأى فتاةً كالصباحِ جمالا
 ترجمه: کسری در بین جمعیت نگاهش را چرخاند و ناگهان دختر نوجوانی را دید که زیبایی
 اش همچون صبح روشن بود!

تَسْبِي محاسنها القلوبَ وتثنى
 عنها عيونُ الناظرينَ كَلالاً
 ترجمه: زیبایی های این دختر، قلب را اسیر می کرد، چشم ها و نگاه بینندگان محو آن شده بود.

بنْتُ الْوَزِيرِ أَتَتْ لِتَشْهَدَ قَتْلَهُ
 وترى السَّعَاةَ مِنَ الرِّشَادِ مُدَالاً. (الخليل، ۱۹۷۷: ۴۸۶)
 ترجمه: دختر وزیر برای دیدن این صحنه می آید و می بیند که حماقت بر دانایی و خرد چیره
 گشته است!

شاعر صحنه استادانه ای را به وجود آورده است. شخصیت ها وقهرمانان و حوادث هریک به
 خوبی نقش خود را ایفا می کنند. شاعر دختر جوان و زیبای وزیر را به صحنه آورده است که در این
 نمایش برایش حسابی باز نشده بود. در حالی که اصل و اساس همه حساب ها بود.

۸-۵-صحنه آخر: رسوم و ظلال (نقاشی ها و سایه ها)

دختر وزیر بی گناه و حکیم که شاهد قتل پدر خویش است، چگونه رفتار خواهد کرد؟ دختر
 وزیر که شاهد چنین واقعه تلخی است، می بیند که جای حق و باطل عوض شده است. حق از آن او
 است و باید بدون رویند ظاهر شود تا نشان دهد که حضور او در میان آن جمعیت ترسو، عمل شرم
 آمیزی نیست بلکه این مردم زبون و حکام جابر زمان او هستند که باید شرم داشته باشند.

تَفْرِي الصَّفُوفَ خَفِيَّةً مَنْظُورَةً
 فرأى السفينةَ للحبابِ جبالا
 ترجمه: دختر زیبارو صف جمعیت را می شکافت مثل شکافتن کشتی، امواجی را که مثل کوه
 بودند.

بَادِ عَلِيٍّ مُحَيَّاها فَأَيْنَ قَنَاعِها
 وَعَلَامَ شَاءَتْ أَنْ يَزُولَ فزالا
 ترجمه: صورتش آشکار بود، اما رویندش کجاست؟! چرا حجابش را برداشته است؟!

فأشار "كسرى" أن يرى في أمرها
 فمضى الرسولُ إلى الفتاةِ وقالوا:

ترجمه: پادشاه کسری اشاره کرد که در باره آن دختر، پرس و جو شود. پس قاصد به سوی دختر نوجوان رفت:

مولای یَعَجَبُ كَيْفَ لَمْ تَتَّقِنِي قالت له : أتعجباً وسؤالاً؟

ترجمه: پادشاه و سرورم شگفت زده شده است از اینکه شما حجاب ندارید؟! دختر پاسخ داد: آیا این جای تعجب و پرسش دارد؟!

انظرُ وقد قَتَلَ الحَكِيمُ فَهْلُ تَرِي إلا رُسُوماً حوله وظلالاً؟؟؟

ترجمه: نگاه کنید وزیر و حکیم کشته شد، آیا غیر از نقش و سایه چیز دیگری هم می بینید!!!

فارجعُ إلى الملك العظيم وقل له مات النصيحُ وعشتَ أنعمَ بالآ

(الخليل، ۱۹۷۷: ۴۸۸)

ترجمه: برگرد و به پادشاه بگو: وزیر با درایت و نصیحتگر از دنیا رفت! با خیال راحت زندگی کن.

ما كانت الحسناءُ ترفعُ سبترها لو أن في هذی الجموعِ رجالا

(الخليل، ۱۹۷۷: ۴۹۰)

ترجمه: زن زیبا کشف حجاب نمی کرد اگر در میان این جمعیت یک مرد پیدا می شد!!!

شاعر در این قسمت از چکامه مردم ظلم پذیر را عامل اصلی بروز چنین صحنه هایی می داند و برای رسیدن به هدف خود که برانگیختن و بیداری مردم علیه جفای حاکمان زمان او است، از تاریخ استمداد می جوید .

اسماعیل ادهم در مجله مقتطف می گوید: " تاریخ ، هستی شخصیتِ خلیل مطران است" (اسماعیل ادهم، ۱۹۶۷: ۹۱) . شعر مطران افق جدیدی در جهان شعر عربی باز کرد. به طوری که از شعر برای ابراز احساسات انسانی و ساختن جامعه انسانی استفاده نمود. او در شعر های تاریخی برحافظ ابراهیم و احمد شوقی برتری یافت. (ضیف شوقی، ۱۹۸۸: ۲۸۸)

جرجی زیدان به مناسبت بزرگداشت خلیل مطران گفته است: برخلاف بسیاری از شاعران، مطران معنی را فدای لفظ نکرد بلکه ابتدا معنی را به شکل زیبایی ترسیم و سپس از الفاظ برای ادای معنا استفاده کرد. وی در به تصویر کشیدن خیال شعری در ابتدای شعر یا در انتهای آن بسیار استادانه عمل نموده است. (جرجی زیدان، مجله سرکیس مایو، ۱۹۱۳).

۶- نتیجه

شعر از دیرباز بیانگر وقایع یک جامعه بوده است. خلیل مطران که پیشتر نوآوری در شعر معاصر عربی است، علیه سنت های تقلیدی انقلاب نمود. او که شاعر فرهنگ و عقل و احساس بود و تسلط کافی بر زبان ها و فرهنگ های متفاوت داشت، توانست در شعر خود انعکاس زیبایی از این فرهنگ ها را برای رسیدن به اهداف خود، و تاثیر گذاشتن بیشتر بر مخاطب ارائه دهد. خلیل مطران در این قصیده تاریخی رسیدن به این اهداف را مد نظر داشت.

سر دادن ندای آزادی.

زنده کردن دموکراسی.

بیدار کردن نسل جدید جوان کشور های عربی.

هجوم و حمله به طاغوتیان و مستکبران.

حمله و هجوم برملت هایی که ذلت و خواری را پذیرفته و عامل تشکیل ودوام حکومت های

مستبد شده اند

. اهمیت مشورت و شورا در حکومت .

نشان دادن شکوه و قدرت بی مانند کسری.

نشان دادن ضعف و خواری مردم در مقابل این عظمت.

ظهور ناگهانی دختر بزرجمهر در میان مردم، و رساندن پیام اصلی منظومه نمایشی به گوش تاریخ

که اگر ظلم پذیر نباشد ظالم به هدف خود نمی رسد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- ۱- آدهم، اسماعیل، "خلیل مطران شاعر العربیة الابداعی"، مجله المقتطف، مصر، قاهره. ۱۹۶۷.
- ۲- اکبری نژاد، مریم، شاهنشاهی ساسانیان، تهران: نشر یار سه ۱۳۸۷، .
- ۳- جرجی زیدان، تراجم الشرق فی القرن التاسع عشر، قاهره: دارالهلل، ۱۹۲۲.
- ۴- _____، "سرکیس"، خلیل مطران، لبنان، بیروت، ۱۳۱۳.
- ۵- دنیوری، داوود، اخبار الطوال، تهران: انتشارات آفتاب، ۱۳۷۰.
- ۶- الرمادی، جمال الدین، خلیل مطران شاعر الاقطار العربیة، مصر: دارالمعارف. ۱۹۷۲.
- ۷- زرین کوب، عبدالحسین، تاریخ ایران پیش از اسلام، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.
- ۸- شعبانی، رضا، بزرگمهر حکیم، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ۱۳۹۳.
- ۹- شکیب انصاری، محمود، تاریخ الادب المعاصر، اهواز: انتشارات دانشگاه اهواز. ۱۳۷۶.
- ۱۰- شیرازی، سعدی، گلستان، ترجمه و تصحیح محمدعلی فروغی، تهران، ۱۳۷۶.
- ۱۱- ضیف، شوقی، فصول فی الشعر ونقده، مصر: دارالمعارف، ۱۹۸۸.
- ۱۲- فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه. تهران: انتشارات امیر کبیر ۱۳۵۷ خورشیدی.
- ۱۳- الفاخوری، حنا، تاریخ الادب العربی، لبنان: دارالفارابی، ۲۰۰۴.
- ۱۴- کریستین سن، آرتور آماتول، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران: انتشارات نگاه ۱۳۷۴.
- ۱۵- مطران، خلیل، دیوان الخلیل، بیروت: دارمارون عباد، ۱۹۷۷.
- ۱۶- نصرالله منشی، ابوالمعالی، کليلة ودمنه، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۴.
- ۱۷- الهاشمی، أحمد، جواهر الادب، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر. ۲۰۰۴.